بسم الله الرحمن الرحیم

غرفه اول

خاکستری

1. ما سه تا کارت می دیم که تو هر مرحله ای بودیم که مربوط به این رنگها بود بتونیم با دیدن اونایادآوری کنیم
2. ما می خواییم 3 مرحله ای که معمولا تو زندگی برامون اتفاق می افته از یک زاویه دیگه مانیتور کنیم
3. این مرحله ها ، خاکستری ، زرد و آبی است
4. با ما همراه باشید که این سه مرحله رو با تجربه متفاوت طی کنیم
5. مرحله خاکستری مرحله ایه که از خدا می خواییم برای ما اتفاق نیفته
6. ولی بر اساس تجربه ای که تو زندگیمون داریم ، نوعا تجربشو داریم
7. اونم موقعیه که خدایی نکرده هر کدوم از ما می افتیم تو گرفتاری
8. قبل از هر چیز اون لحظه رو یادمون بیاد ، که می دونیم که گرفتاریها سخته و ....
9. اون لحظه که گرفتاریه میاد می گیم ،اخه برای چی ؟!
10. یک نگاه همون نگاهیه که داریم ، نگاه زمینی که درست هم هست
11. هی می گیم آخه چی شد و کجا رو اشتباه رفتم
12. امروز نمی خوایم از این نگاه به این قضیه نگاه کنیم
13. می خوایم از دید اون کسی که ما رو خلق کرده به این قضیه نگاه کنیم
14. یک جا گفته من نعمتی رو که به شما داده باشم ازتون نمی گیرم مگر اینکه خودتون کاری کنید که ازتون گرفته بشه
15. اینو به عنوان قوانینم برای شما که تو این دنیا زندگی می کنید قرار دادم
16. وقتی می گیم قوانین خدا ، یعنی همین که یه چیزی رو که ول می کنی می افته زمین ، جاذبه !
17. فیزیکدان ها هم می گن دلیل جاذبه خاصیتیه که توی ماده وجود داره ، جرم بزرگتر جرم کوچکتر رو جذب می کنه . واین خاصیت رو کی توی ماده گذاشته ؟! خدا !
18. چه من قبول داشته باشم چه نداشته باشم این قانون داره کار خودش رو می کنه
19. یعنی چی ؟ بیاییم عمیق تر به این موضوع نگاه کنیم ، آماده باشیم برای شنیدن موضوعی که شاید موضوع تکون دهنده ای باشه تو زندگیمون
20. خدا گفته من نعمت رو از شما نمی گیرم !
21. یعنی ، اونایی که خدا بهتون نعمت سلامتی و ... داده حواستون باشه خدا اینا رو از ما نمی گیره مگر اینکه خودمون باعث بشیم که این نعمت از ما سلب بشه
22. علامت سوال گنده !!!!
23. اینجا همون جائیه که یک علامت سوال بزرگ برامون ایجاد می شه
24. مگر ما چکار می کنیم که نعمت ازمون گرفته می شه ؟
25. خدا خودش گزارش داده برای ما
26. سوال می پرسم : آقا خانوم شما به چه کاری می گید کار بد ؟
	* کارای بد رو مصداقی نگاه می کنیم . یعنی کارایی که اگه به فرض بچمون انجام داد می گیم این کار بده انجام نده
	* مثل دروغ و غیبت و ...
27. بعد از گفتگو : حداقل کار بد اینه که خودمون ناراحت می شیم کسی در حق ما این کار رو انجام بده و ...
28. خدا گفته اون کارایی که کار بده اینا برای شما یک دیوار می سازه که دیگه نعمتهای من به شما نمی رسه
29. آسمون بالای سر ما آسمون پر از نعمت خداست و هر کار اشتباه من مثل یک سقفی می مونه که بالای سرم درست می کنم که دیگه این آسمون من رو نگاه نکنه
30. من گیرنده ی نعمت خدام ولی خودم با دست خودم کاری کردم که نعمت بهم نرسه
31. و یک جایی باعث همین نرسیدن نعمتها می شه که همون گرفتاری ای که منو شما می گیم
32. سلامتی گرفته می شه ... روزی رو می گیرم اگه نفمیدی
33. هنگام مرگ یجوری می برمتون که پاک شده باشید
34. اون چیزی که باعث می شه منو شما به مرحله خاکستری وارد بشیم ، یک بخش عمده ایش خود مائیم
35. یک جای دیگه هم می گه شما ها رو فرستادم تو دنیا ، که خودتون بفهمید خوب و بدتون کیه
36. طلا رو هم که می خوان خالص و از ناخالصش جدا کنن ، می فرستنش تو آتیش
37. برای اینکه بفهمیم چی بارزشه چی بی ارزش همیشه محک داریم
38. وخدا می گه که شما فکر کردید من شما رو می فرستم رو زمین و امتحانتون نمی کنم ؟
39. آیه : آيا نمى‏بينند كه آنان در هر سال، يك يا دو بار آزموده مى‏شوند، باز هم توبه نمى‏كنند و عبرت نمى‏گيرند؟ ( توبه126)
40. عجب نکته ی جابی ، یک لحظه به این موضوع نگاه کنیم
41. ما وقتی می خواییم یکیو امتحان کنیم ، امتحان ناجور نمی کنیم و به اندازه ی توانش امتحان می کنیم
42. واقعا ً یک لحظه به این فکر کنیم که خدا قراره ما رو امتحان کنه
43. همه منتظرن ببینن اینا چیکار می کنن مثل ملائک اولیای خدا و ... همه خیالشون راحته که اگر این امتحان برای او سخت باشه باعث رشدش می شه
44. مثل سختی هایی که اولیای خدا دارن ، مثل سختی های حضرت یعقوب
45. حالا هر وقت که این رنگ خاکستری رو می بینم یاد این جمله می افتم که در هر سختی راحتی هست ، یاد این جمله می افتم که خدا می خواد منو امتحان کنه ، یاد این جمله می افتم که برنده های تو این امتحان طلای وجودیشو رو دارن محک می زنن و از طرف دیگه یاد این جمله ی خدا می افتم که نعمت هاتونو ازتون نمی گیرم مگر اینکه خودتون کار ی کنید که جلوی اونها رو بگیرید
46. راستی اگر سختی های من امتحان نباشه و تقصیر خودم باشه باید چیکار کنم؟
47. این موضوعیه که باید در تالار زرد بررسی کنیم

بسم الله الرحم الرحیم

غرفه دوم

زرد

1. بعد از خوش آمد گوئی
2. در این تالار می خواییم بررسی کنیم ببینیم وقتی اون اتفاق خاکستری برامون می افته چیکار می کنیم
3. وقتی یک اتفاق ناخوش آیند برامون می افته چی کار ی کنیم ، راهکارمون چیه؟
4. انواع راهها رو امتحان می کنیم
5. جالب اینه که آدمای بزرگ یکی از دلائل بزرگ بودنشون انتخب راهکارهای مناسبه ، اونایی برجستن که در موقع بحران راهکار بهتری ارائه بدن
6. بعضی ها همیشه دنبال سریع ترین راهن نه بهترین راه !
7. تا یک گرفتاریه مالی براش پیدا می شه ، حسابو نگاه می کنه می بینه یک پولی داره که امانته تو حسابش ، سریع ترین راه اینه که فعلاً از اون استفاده کنه و بعداً ... سریع ترین راه اینه ولی لزوماً بهترین نیست
8. یک قولی که به یکی می ده ، به هر دلیلی نمی تونه که سر موعد انجام بده ، دنبال راحتترین راه که اینه که یک توجیهی بیاره . وقتی می گیم توجیح ، منظورمون توجیحیه که حقیقت نداره . هی می شینه فکر می که اگه اینو بگم بهتر قبول می کنه ، اینو میگن که قانعش کنم ، اینو می گم که فکر نکنه کار بلد نیستم ، اینو می گم که چون مثل همه نیست و راحتتر قبول می کنه
9. همین جا یک پرانتز باز کنیم : خدا گفته این نجات رو تو راستی قرار دادم
10. یعی اگر بجای این همه فکر کردن می اومدم حقیقتشو می گفتم ، حداقل خیالم را حت بود که کمک های آسمانی رو برای حل مشکلم کمک گرفتم
11. شیطان همین جا می آد سراغم ، اونم مسلطه به این قواینه ، می آد یک کاری می کنه که من یک خطایی کنم تا اون دیوار ها سقف هایی که دورمه بیشتر و بیشتر شه
12. خلاصه لزوماً همیشه راحتترین راه بهترین نیست
13. در اکثر مواقع راحتترین راه دیوارای دور منو بیشتر می کنه و حواسم نیست که مشکلای دور منو بیشتر می کنه
14. بریم سراغ راهکاری که خدا برای ما قرار داده
15. در مواقع خاکستری یک جایی داریم که خدا می گه اونایی که بهتون دادم رو نمی گیرم تا وقتی که یک کاری کنید که اونا رو از دست بدید ، حالا وقتی از دست دادیم ، چه کنیم ؟
16. خدا گفته اگر خواست نبود و با دست خودت سقفی بالای سرت درست کردی که دیگه آسمون پر از نعمت من نمی تونست تو رو ببینه ، یک پتک قوی می دم دستت ، با دست خودت بزن این دیوارها و سقف ها رو خراب کن
17. اون پتک محکم الهی ، همین اصطلاح آشناییه که ما خوب می شناسیمش ... استغفار
18. اتفاقا گفته زود هم بیا ، اگر زود متوجه شدی ، خطایی رو که انجام دادی رو هیچ جا نمی نویسم
19. اگر دیرتر اومدی ، بازم توبه کن ، برات پاکش می کنم
20. دیرتر شد ، بازم بیا ، روش خط می کشم
21. اگر می بینید که یک سقفی بالای سرتونه که همه بخاطرش گرفتار شدید ، دست جمعی بیایید دعا کنید مثل دعای باران که دست جمعی باید خوند
22. گفته وقت اذان بیا ، بعد نمازت بیا ، زیر بارون بیا ... اینها وقتائیه که زور پتکتو زیاد می کنم
23. عزیزان خدا خیلی خیلی مهربونه !
24. بعد همه ی اینها تازه راه میانبر هم گذاشته . یه راه امن که گفته اگر از این راه اومدی شک نکن که جواب می گیری
25. راهی که برادران یوسف بلد بودند
26. اونها بعد از تمام کارهای زشت و بدی که انجام دادند ، ووقتی که تصمیم گرفتند برگردند و از خدا طلب استغفار کنند ، می دونستند چقدر بار گناهانشون سنگینه و می دونستند که شاید به تنهایی زورشون نرسه که دیوار ها و سقفهای دور حودشون رو خراب کنن
27. برای همین رفتند سراع راه نجات مطمئنی که خدا معرفی کرده
28. آمدند پیش پدرشون خضرت یعقوب نبی – حجت خدا – و از او خواستند که برایشان دعا کنه و از او خواستند که برایشان از خدا طلب استغفار کنه
29. اونها راه رو بلد بودند و نتیجه رو دیدن
30. عزیزان خدا برای ما هم راه میانبر نجات مطمئنی رو قرار داده که بدون شک اگر بریم سراغش جواب می گیریم
31. خداوند برای ما هم کسی رو قرار داده که به او پناه ببریم و دست به دامان او بشیم و از او طلب دعا و استغفار کنیم که او آبرومند ترین افراد زمان ما نزد خداست
32. بله حجت خدا در زمان ما – امام زمان ما- همون راه نجاتیه که خداوند برایمان قرار داده که هیچ وقت در زندگی به در بسته ای بر نخوریم و سرگردان نشیم
33. امامی که مثل یک پدر حتی اگر خواسمون هم نباشه ، هوای ما رو که بچه هاشیم داره
34. امام زمانی که می فرمایند انا غیر مهملین لمرائاتکم
35. حالا که یکی از بهترین راهکارامون رو که موقعی که تو مرحله زرد هست رو پیدا کردیم ، بریم مرحله ی بعد که یکسری از بهترین حرفهای شنیدنی برناممون تو مرحله ی آبیه

بسم الله الرحمن الرحیم

غرفه سوم

آبی

1. حالا تو مرحله ای هستیم که اون راهکار برای ما عملی شده و مشکلات ما حل شده
2. مررحله ی آبی ، آرامشیه که بعد از حل مشکلاتمون برامون پیش می آد
3. شما ها معمولاً چه میکنید در این مرحله ؟
4. گفتگو : جواب ها : خدا رو شکر می کنیم ، راحتتر به زندگیمون می رسین
5. اصلاً اگه یکی کمک می کنه که مشکلاتمون حل بشه ، می ریم به سمت جبرانش؟
6. اگه بخواییم جبران کنیم ، چکار می کنیم ؟
7. سوال می پرسیم؟
8. به نظر شما امام زمانی که می گه من از حال شما غافل نیستم ، این بزرگوارانی که با بیماری ما بیمار می شن ، با شادی ما شاد می شن ... منتظرن لبهای ما تکون بخورن تا جملات ما رو بشنون و در صدد مشکلات ما بر بیان
9. اون امامی که یکی از کاراشون در طول روز طلب مغفرته برای ما ، کارایی که اصلاً ما به فکرش نیستیم ، اون امامی که خیلی وقتا بدون اینکه ما بخواییم برای ما دعا می کنه و از خدا خیر برای ما می خواد
10. حالا به نظر شما خوب نیست تو این مرحله آبی ما هم یک کاری برای اماممون انجام بدیم؟
11. حالا که اون کاری کرده که این گرفتاریه من حل بشه یکی از کارایی که می تونم بکنم ، اینه که یکاری کنم گرفتاریه فرزندانشو حل کنم ، اگه از دستم بر می آد سعی کنم گرفتاریه بچه هاشو حل کنم
12. حالا که فهمیدم ، اینقدر مهربونه و به من رحم کرده و کمکم کرده که گرفتاریم حل بشه منم به دیگران رحم کنم ، تا شاید خدا به همون رحم کنه و اونو زودتر برسونه
13. رحم : چون خودش گفته: ارحم تُرحَم رحم کن تا به تو رحم کنند ، ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكَ مَنْ فِي السَّمَاء
14. یکی از او کارای ویژه ای هم که می تونیم انجام بدیم ، اینه که حالا که اون از خدا خواسته که مشکل ما حل بشه ، ما هم از صمیم قلب از خدا بخواییم که مشکلش حل بشه ، گرفتاری ای که او رو به حالت اضطرار انداخته ، مشکلات متعدد منو شمای شیعه رو می بینه و از خدا می خواد که خداییا دست منو باز کن تا دیگه بچه های من مشکل نداشته باشن .
15. و چقدر خوبه هر وقت این رنگ آبی رو می بینمم ، یاد مهربونی و بزرگواریاش بیافتیم و از خدا بخوایم ، فرجش رو زودتر برسونه ، که به ما گفتن اگه این جمله رو از ته دلتون ببگید ، نه لغلغه ی زبونتو و با سوز دل حتماً یکی از این دو اتفاق می افته : حتماً در ظهور تاثیر داره یا همین دعا موجب گشایش در کارم می شه
16. پس همه با هم بگیم ... اللهم عجل لولیک الفرج